

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۶ مارچ ۲۰۱۳

اتومی شدن ایران،

چه خطرات و تأثیرات منفی بر اوضاع ایران، منطقه و... دارد؟!

دروود بر شما آقای رحمانی عزیز. سوال من این است که اتومی شدن ایران، چه خطرات و تأثیرات منفی بر اوضاع ایران، منطقه و مخصوصاً روی وضعیت افغانستان می گذارد؟ با توجه به این که افغانستان از سوی دو کشور اتومی ایران و پاکستان محاصره شده است. من صحبت هائی را شنیدم در مورد این که ایران حتی زباله های اتومی اش را در نزدیکی مرز با افغانستان دفن می کند. اگر لطف کنید به طور کلی مقاله ای پیرامون فعالیت های اتمی حکومت اسلامی ایران و عوارض و عواقب آن برای سایت ما مقاله ای بنویسید، خیلی خوشحال می شویم.

با مهر

سایت اینترنتی رادیو مزده، هرات - افغانستان

بهرام رحمانی: با درودهای متقابل

مسأله اتمی شدن ایران، یکی از مهم ترین آرزوهای سران و مقامات حکومت اسلامی ایران است. آن ها بر این تصوراند که ایران اتمی با قدرت می تواند در مقابل رقبای منطقه ئی و جهانی اش بایستد. به همین دلیل بخش اعظم ثروت ها و منابع و درآمدهای کلان کشور را به این عرصه خطرناک اختصاص داده اند. به علاوه زندگی و بهداشت عمومی بخشی از مردم ایران و محیط زیست را نیز با خطر آلودگی های زباله های اتمی و کیمیائی مواجه کرده اند. فعالیت های اتمی حکومت اسلامی، اگر ضربات کوبنده ای به زیست و زندگی و معیشت اکثریت مردم ایران زده و بی کاری، گرانی و تورم و فقر و فلاکت اقتصادی و به تبع فقر، آسیب های اجتماعی به بحرانی ترین سطح خود رسیده اند و موقعیت جامعه ایران، به لحاظ اقتصادی و حتی نظامی با مخاطرات عدیده ای مواجه شده است اما این مسأله، به نفع برخی کشورها و شرکت های صادرکننده سلاح تمام شده است. اسرائیل و هم چنین کشورهای حوزه خلیج فارس به انبار سلاح های مخرب دولت های پیشرفته غربی تبدیل شده اند. هم چنین برخی کشورها از محاصره اقتصادی ایران، سودهای کلانی به جیب زده اند مانند ترکیه، چین، روسیه و...

ریشه های این مسأله به دورانی برمی گردد که آیت الله روح الله خمینی، هنوز زنده است و جنگ خانمانسوز هشت ساله ایران و عراق در جریان بود. در ماه های آخر این جنگ، محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران وقت، نامه ای به خمینی می نویسد و در آن کمیوذهای جبهه ها و جنگ افزار را برای او توضیح می دهد. اما همه می دانند که ایران در آن روزها، هم به دلیل خالی بودن خزانه اش و هم به دلیل محاصره ایران نمی توانست این لیست بلندبالای فرمانده سپاه

را تهیه کند. از این رو، حکومت اسلامی ایران، در حال ضعف و زبونی و شکست قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را پذیرفت. بی خود نبود که خمینی هنگام پذیرش آن با صدای بلند اعلام کرد که جام زهر را سر کشیده است. در واقع در سال دوم جنگ و هنگامی که نیروهای ایرانی خرمشهر را از اشغال نیروهای عراقی خارج کردند صدام حسین رسماً به سازمان ملل اعلام کرد که حاضر است نیروهایش را به مرزهای قبل از جنگ عقب بکشد و پای میز مذاکره بنشیند. حتی برخی دولت های عربی اعلام کردند که حاضرند به ایران غرامت جنگی بپردازند. اما حکومت اسلامی و در رأس آن، خمینی، با شعارهایی چون «جنگ جنگ تا پیروزی»، «راه قدس از کربلا می گذرد» و... این جنگ را به مدت شش سال دیگر ادامه داد تا این که سرانجام از موضع درماندگی و شکست قطعنامه سازمان ملل مبنی بر آتش بس را پذیرفت.

اما خمینی، این بار جام زهری که سر کشیده بود انتقامش را به خونین ترین شکلی از زندانیان سیاسی ایران گرفت. به فرمان او، در بهار و تابستان سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی در زندان های ایران اعدام شدند و آن ها را مخفیانه در جاهای نامعلومی دفن کردند که یکی از آن ها گورستان خاوران در نزدیکی تهران است. خاوران های زیادی در سراسر ایران وجود دارند که هنوز کشف نشده اند.

به این ترتیب، حکومت اسلامی ایران، از سال های پایانی جنگ ایران و عراق به فکر تولید سلاح اتمی افتاد به طوری که در ده سال اخیر، مسأله فعالیت های اتمی مداوم و پیگیر حکومت اسلامی، به یکی از مسایل مهم مورد مناقشه اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین المللی اتمی، تبدیل شده است. حکومت اسلامی، هم چنین در این سال ها ده ها میلیارد دالر از سرمایه های جامعه ایران را که قاعداً باید به عرصه خدماتی و بهداشتی و درمان و آموزش و پرورش و اشتغال و غیره صرف می شد به عرصه میلیتاریسم و در جهت دست یابی به سلاح های اتمی بر باد داده است.

در روزهای اخیر گفت و گو بر سر برنامه هسته ای حکومت اسلامی ایران، در الماتی - قزاقستان برگزار شد. قبل از این نیز شهرهای مختلفی چون تهران، پاریس، ژنو، استانبول، بغداد و مسکو میزبان مذاکرات مقامات حکومت اسلامی با مقامات اعضای ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به علاوه المان بودند.

گزارش ها حاکی است که روز دوم مذاکرات میان ایران و گروه پنج به علاوه یک بامداد چهارشنبه، ۹ حوت ۱۳۹۱ - ۲۷ فیروزی ۲۰۱۳، در شهر الماتی قزاقستان پایان یافت و طرف های گفت و گو توافق کردند که مذاکرات کارشناسان دو طرف در روزهای ۱۷ و ۱۸ مارچ در استانبول ترکیه برگزار شود.

نورسلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان پیشتر پیشنهاد داده بود که در صورت دست کشیدن ایران از غنی سازی اورانیوم، میزان اورانیوم لازم را از روسیه به ایران منتقل کند.

در پایان مذاکرات قزاقستان، سعید جلیلی، سرپرست گروه ایرانی مذاکره کننده حکومت اسلامی ایران در یک کنفرانس خبری شرکت کرد و گفت که «پاسخ گروه ۱+۵ به پیشنهادهای که ایران در مذاکرات مسکو مطرح کرده بود، نسبت به آن چه در قبل مطرح شده بود واقع بینانه تر بود.» به گفته جلیلی، در مذاکرات مسکو که هشت ماه پیش برگزار شد، ایران طرحی شامل «پنج محور» به اعضای گروه پنج به علاوه یک ارائه داد که «اصول و اهداف گفت و گوها را تعیین کرده» و «قرار بود ۱+۵ آن را بررسی و به ما پاسخ دهد.» دبیر شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی، در پاسخ به سؤالی درباره بسته شدن سایت هسته ای فردو در نزدیکی قم گفت: «بسته شدن فردو توجیهی ندارد و این درخواست را ۱+۵ هم نداشته است.»

یک دیپلمات امریکائی، در گفت و گو با پایگاه خبری المانیور، جزئیات جدیدی از بسته پیشنهادی کشورهای ۱+۵ به ایران در مذاکرات الماتی قزاقستان را اعلام کرد. این دیپلمات امریکائی، گفته است مهم ترین بحث گفت و گوهای دو

روزه ایران با کشورهای ۱+۵ روز سه شنبه بود که طی آن مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بسته پیشنهادی تجدیدنظر شده ای را به طرف ایرانی ارائه داد.

در این بسته پیشنهادی، به گفته این دیپلمات امریکائی، طرف غربی کنترل فعالیت غنی سازی ۲۰ درصدی ایران، تعلیق فعالیت های جاری در تأسیسات هسته ئی فردو، افزایش پادمان های هسته ئی و شفافیت بیش تر در فعالیت های بازرسی آژانس را خواستار شده بود.

این دیپلمات امریکائی، افزوده طرف غربی در بسته پیشنهادی تجدید نظر شده، برخی از مطالباتی که در ماه مه گذشته در بغداد مطرح کرده بود را تعدیل کرده است. به گفته وی طرف غربی اکنون دیگر خواستار این نیست که ایران تمامی ذخائر اورانیوم ۲۰ درصد خود را «متوقف، تعطیل و منتقل» کند.

به گفته این دیپلمات امریکائی، بسته پیشنهادی جدید، خلاف بسته قبلی به ایران اجازه می دهد مقدار کافی از سوخت غنی شده ۲۰ درصدی که برای مقاصد پزشکی لازم است، را تولید و ذخیره کند.

این مقام امریکائی، هم چنین گفته است طرح پیشنهادی جدید، خواستار تعلیق فعالیت های غنی سازی در تأسیسات فردو - و نه تعطیلی آن - است. محدودسازی توانائی ایران برای «از سرگیری فوری فعالیت های هسته ئی در این سایت» از جمله خواسته های دیگری است که کشورهای ۱+۵ مطرح کرده اند.

علاوه بر این، کشورهای ۱+۵ خواستار افزایش اقدامات نظارتی آژانس بین المللی برای اطمینان از شفافیت بیش تر برنامه هسته ئی ایران شده اند.

طرف غربی در مقابل این مطالبات وعده داده است برخی از تحریم ها علیه تهران را لغو کند. طبق گفته این دیپلمات زن امریکائی، کاهش تحریم ها فعلاً تحریم های نفتی یا مبادلات مالی را شامل نمی شود، بلکه ناظر به تحریم های وضع شده دیگری است که امریکا و اتحادیه اروپا وضع کرده اند. وی از ارائه توضیحات بیش تر درباره این مورد خودداری کرده است.

در مقطع مذاکرات اخیر علی اکبر ولایتی، مشاور خامنه ای رهبر حکومت اسلامی اسلامی در امور بین الملل، در واکنش به پیشنهاد تعطیلی سایت فردو در قبال لغو تحریم صادرات طلا گفت: «جمهوری اسلامی ایران همواره به حق قانونی و مشروع خودش پافشاری کرده و می کند».

در روز یکشنبه ۶ حوت - ۲۴ فبروری، ۲۵۲ نماینده مجلس با قرائت بیانیه ای در صحن علنی مجلس شورای اسلامی از تیم مذاکره کننده ایرانی خواستند که در چارچوب عهدنامه «ان پی تی» و «مقررات آژانس» با گروه ۱+۵ بر سر میز بنشینند.

این نمایندگان از کشورهای روسیه و چین خواسته اند که از «زیاده خواهی ها و درخواست های غیرمنطقی امریکا» پیروی نکنند. در پایان این بیانیه آمده است: «پیشنهاد ما به عنوان نمایندگان ملت بزرگ ایران به امریکا و هم پیمانان غربی این است که واقعیت های هسته ئی امروز جمهوری اسلامی را بپذیرند و سیاست تقابل را به تعامل تغییر دهند و بدانند که قطار هسته ئی ایران در چارچوب اهداف صلح آمیز هرگز متوقف نخواهد شد».

علی لاریجانی رئیس مجلس نیز ضمن انتقاد به گزارش اخیر مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی مدعی شد که عبارت آکیا آمانو، سرپرست آژانس اتمی، «کلیشه ای» بوده و «معلوم است از قبل به آن ها داده شده تا فضای رسانه ئی را در دنیا مه آلوده کنند».

این مذاکرات حدود ده سال است که جریان دارد و هنوز به سرانجام نرسیده است. در واقع این روند یک دهه مذاکرات حکومت اسلامی ایران با اعضای دائمی شورا امنیت سازمان ملل بر سر برنامه اتمی اش دو مرحله کلان را پشت سر

گذاشته است: یکی از زمان فاش شدن تأسیسات هسته‌ئی حکومت اسلامی در سال ۱۳۸۱ تا به بن بست رسیدن مذاکرات در اواخر سال ۱۳۸۴ و دوم از آغاز دوباره غنی سازی توسط حکومت اسلامی از سال ۸۴ تاکنون. تاکنون از سوی حکومت اسلامی ایران، سه نفر پیش برنده این مذاکرات بودند: حسن روحانی، علی لاریجانی در حال حاضر سعید جلیلی.

طرف مذاکره با حکومت اسلامی در سال های اولیه، بریتانیا، المان و فرانسه بودند که توافق نامه سعیدآباد از نتایج گفت و گو با آن ها بود. اما سپس این ترکیب تغییر یافت و طرف مذاکره با ایران، ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد (متشکل از روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا و امریکا) به همراه المان شدند. نماینده اصلی مذاکره کننده با ایران از سوی این گروه نیز «کاترین اشتون»، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا است.

در واقع در دوره پایانی ریاست جمهوری محمد خاتمی، غرب و ایران به توافقات نسبی رسیدند اما با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد، وضعیت تغییر کرد و مواضع طرفین نسبت به همدیگر خصمانه شد.

یکی از نکات مهمی که حکومت اسلامی ایران بهره برداری خوبی از آن کرده این است که شش کشور مذاکره کننده با ایران هم نظر نیستند و سیاست های متفاوتی دارند. این اختلاف نظرها، به ویژه میان چهار کشور غربی با کشورهای روسیه و چین است. این دو کشور، روابط خوبی با حکومت اسلامی ایران دارند و در واقع چین بازارهای ایران را تسخیر کرده است علاقه ای به تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی ندارند. روسیه نیز بیش از چهل سال است که نیروگاه بوشهر را می سازد و هنوز هم تمام نکرده است منبع درآمد کلانی از این منبع دارد. بنابراین، این شش کشور، یک ستراتیژی واحد و یک سانی در مذاکره با مقامات حکومت اسلامی ندارند.

در طول این مدت ده سال، آن ها از یک سو با حکومت اسلامی مذاکره کرده اند و از سوی دیگری، تحریم هائی را نیز علیه ایران به کار بسته اند. از زمان آغاز این گفت و گوها تاکنون شش قطعنامه، از جمله چهار قطعنامه تحریمی، علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. امریکا و بسیاری دیگر از کشورها نیز تحریم هائی یک جانبه یا چند جانبه ای را علیه ایران به کار گرفته اند.

در حالی که سران حکومت اسلامی، به خصوص احمدی نژاد این قطعنامه ها را کاغذپاره می نامید و همواره تأکید می کرد که این تحریم ها تأثیری بر وضعیت اقتصادی ایران ندارند. شاید حق با احمدی نژاد بود. چون که قیمت هر بشکه نفت در بازارهای جهانی از ۳۰ دلار به ۱۴۰ دلار رسیده بود و خزانه حکومت درآمدهای کلانی داشت که می توانست ماشین جنگی و دولتی خود را همواره تأمین نماید و به پیش براند. تأثیر آن بر مردم با بی کارسازی های گسترده به دلیل بحران صنایع و گرانی و تورم روزافزون کالاهای مورد نیاز مردم بسیار سنگین و کمرشکن است. اما اکنون خود سران حکومت اسلامی نیز به بحران های اقتصادی اقرار کرده اند. به گفته آن ها، بیش از ۷۰ درصد پروژه های عمرانی دولت خوابیده و ۸۰ درصد صنایع بحرانی هستند. به اقرار رفسنجانی در چند ماه اخیر ارزش پولی ایران سه برابر پائین آمده است.

بهانه غرب این است که ایران نباید سلاح اتمی داشته باشد. در حالی که پاکستان، هندوستان، اسرائیل و هم دولت های مذاکره کننده با ایران به خصوص امریکا، روسیه، چین، برتانیای و فرانسه نه تنها سلاح اتمی دارند، بلکه تولید و توزیع هم می کنند. خود حکومت امریکا برای نخستین بار بمب اتمی را بر سر مردم هیروشیما و ناکازاکی در ژاپن انداخت.

به نظرم افکار عمومی مترقی جهان نه تنها باید مخالف تولید سلاح های اتمی و کیمیائی و دیگر سلاح های مخرب باشد، بلکه بر نابودی همه سلاح های اتمی در جهان نیز پافشاری نماید. به عبارت دیگر، هیچ دولتی در جهان نباید حق تولید و فرورش و نگهداری سلاح های اتمی را داشته باشد.

تبلیغات غرب و در رأس همه امریکا مبنی بر این که ایران به ساختن بمب اتمی نزدیک می شود هدف اصلی شان فروش اسلحه به کشورهای منطقه است. امریکا سال گذشته، تنها با عربستان سعودی، قراردادهای تسلیحاتی به حجم ۶۰ میلیارد دلار منعقد کرد.

عربستان که متحد دیرین امریکاست، در صدر معاملات نظامی با امریکا قرار دارد. اوایل سال ۲۰۱۲، سخن گوی کاخ سفید از اجرای یکی از بزرگ ترین قراردادهای نظامی امریکا با عربستان سعودی خبر داده بود. بنا بر این قرارداد، ۸۴ فروند جت جنگنده جدید اف ۱۵ و هم چنین قطعاتی برای تقویت و نوسازی هفتاد جنگنده اف ۱۵ اس به عربستان تحویل داده خواهد شد. به گفته مقام های رسمی امریکا، این قرارداد شامل تأمین مهمات نظامی، قطعات یدکی جنگنده ها، آموزش، نگهداری و تدارکات لازم است. عربستان سعودی، هم چنین علاقه مند به خرید هفتاد فروند هلیکوپتر جنگنده آپاچی است.

بنا به گفته سخن گوی کاخ سفید، این قرارداد از ۵۰ هزار فرصت شغلی در امریکا پشتیبانی و سالیانه سه و نیم میلیارد دلار به اقتصاد این کشور کمک می کند. شرکت بوئینگ که تولیدکننده جنگنده های اف ۱۵ و هلیکوپتر های آپاچی است نیز پیش تر اعلام کرده بود قرارداد تسلیحاتی با عربستان از ۷۷ هزار فرصت شغلی در ۴۴ ایالت امریکا پشتیبانی می کند.

دولت عربستان قصد دارد با صرف ده ها میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰، نیروی هوایی خود را به نخستین نیروی منطقه تبدیل کند. نیروی هوایی عربستان سعودی، دارای ۱۸ هزار پرسنل و نزدیک ۴۰۰ فروند هواپیمای جنگی است و زیر نظر امریکائی ها بنیان گذاری شده است.

در سال های اخیر، امارات متحده عربی نیز پس از عربستان، از خریداران عمده سلاح در خاورمیانه بوده است. امریکا، یک قرارداد ۳.۵ میلیارد دلاری را برای تأمین سیستم های ضد موشکی پیشرفته برای امارات به امضاء رسانده است. این اقدام بخشی از برنامه تقویت فوری نظامی کشورهای متحد امریکا، در همسایگی ایران محسوب می شود. این سیستم برای نابود کردن موشک هائی با برد کوتاه و متوسط در داخل و خارج از جو زمین ساخته شده است.

بر اساس این قرارداد امریکا دو سیستم تاد را با ۹۶ موشک، دو سیستم رادار «AN-2» و ۳۰ سال قطعات یدکی در اختیار امارات قرار می دهد. بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹، با بستن قراردادی، اقدام به خرید تسلیحات نظامی به ارزش ۳/۱۷ میلیارد دلار از امریکا کرد. این معامله امارات را سومین خریدار بزرگ اسلحه در میان کشورهای در حال توسعه ساخت. در این قرارداد، امریکا موظف به تحویل اسلحه هائی شامل تانک، توپخانه خودرو، خودروهای زرهی، هواپیمای جنگی مافوق صوت، هلیکوپتر، موشک زمین به هوا، کشتی های جنگی، موشک های سطح به سطح و ضد کشتی و موشک های هدایت شونده کشتی شد.

نیروی هوایی قطر، دارای ۱۲ فروند میراژ ۲۰۰۰ و ۱۵ فروند میراژ اف-۱ است. وزارت دفاع به دنبال کسب مجوز فروش بسته ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری به قطر است که شامل ۲۴ هلیکوپتر تهاجمی آپاچی مدل AH-64D، 12 هلیکوپتر بلک هاوک (شاهین سیاه) و ۲۲ هلیکوپتر سی هاوک (شاهین دریا) می شود.

علاوه بر این موارد، قطر با امضای قراردادی ۱۳۰ میلیون دلاری با فرانسه، میراژ های اف-۱ خود را به روز کرد. در آخرین اقدام، نیروی دریایی قطر درصدد تجهیز قایق های گشت زنی ویتا - کلاس با آخرین نسخه موشک ضدکشتی اکسولت است. آخرین نسخه از این سلاح، افزایش چشم گیری در شعاع عمل را نمایان می سازد. مبلغ این قرارداد تاکنون اعلام نشده است.

سال ۲۰۱۱، وزارت دفاع امریکا، از فروش احتمالی تسلیحات نظامی به ارزش ۵/۳ میلیارد دلار به عمان خبر داد. این قرارداد شامل فروش هجده فروند هواپیمای اف-۱۶ بلاک ۵۲/۵۰ و تجهیزات مربوطه، قطعات یدکی، آموزش و

پشتیبانی لجستیکی بود و باعث افزایش قابل ملاحظه توانائی نیروی هوائی عمان می شد. در سال ۱۹۹۳، عمان که با ۷۸۰ میلیون دالر کسری بودجه روبه رو بود، ۵/۱ میلیارد دالر، معادل ۳۰ درصد بودجه کشور را صرف خرید تسلیحات کرد.

علاوه بر این، عمان که در کنترل تنگه هرمز با ایران مشارکت دارد، به دنبال خرید بسته ۸۶ میلیون دالری از امریکاست که شامل ۵۵ موشک سایدویندر است تا از این طریق ناوگان هواپیماهای جنگنده F-16 خود را ارتقاء دهد. وزارت دفاع امریکا، اخیراً نیز از طرح کنگره برای فروش جنگ افزارها به کویت به ارزش ۴/۲ میلیارد دالر خبر داد که شامل ۶۰ فروند موشک پاتریوت پیشرفته، ۲۰ سکوی پرتاب موشک و ۴ رادار خواهد بود. این تجهیزات نظامی به ۳۵۰ موشکی پاتریوتی افزوده خواهد شد که کویت بین سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ خریداری کرده است. کویت، هم چنین می تواند مهمات ۴۹ میلیون دالری ۳۰۰ موشک هلفایر ۲ که امکان شلیک شان از هلیکوپتر و هواپیماهای بدون سرنشین وجود دارد را خریداری کند. فروش این مهمات در انتظار تصویب کنگره است. به گزارش کنگره امریکا فروش تسلیحات امریکائی به کشورهای دیگر در سال ۲۰۱۱، سه برابر شده و به بالاترین میزان در تاریخ این کشور رسیده است.

فروش بیش از پیش اسلحه به برخی کشورهای حوزه خلیج فارس که متحده امریکا هستند، یکی از دلایل رشد چشم گیر میزان فروش اسلحه از سوی امریکا اعلام شد. گزارش کنگره امریکا نگرانی از برنامه اتمی ایران و بالا گرفتن احتمال حمله نظامی به جمهوری اسلامی را از مهم ترین دلیل فروش بالای اسلحه به متحدان منطقه ئی دانسته است.

بر پایه گزارش روزنامه «نیویورک تایمز» ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی، مجموعاً ۶۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دالر سلاح فروخته است که این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۰ «رشدی فوق العاده» را نشان می دهد. جمهوری آذربایجان، در سال ۲۰۱۲ میلادی بالغ بر ۸۰۴ میلیون دالر تسلیحات خریداری کرده است. به گزارش خبرگزاری آپا، بر اساس گزارش سالانه مرکز تجزیه و تحلیل تجارت بین المللی تسلیحات، آذربایجان در سال ۲۰۱۲ میلادی ۱۸مین واردکننده عمده اسلحه و تجهیزات نظامی در دنیا بوده است. به گفته این مرکز تحقیقاتی، آذربایجان در سال ۲۰۱۲ میلادی ۸۰۴ میلیون دالر سلاح خریداری کرده است.

انگلستان، ایتالیا، ژاپن، نروژ، امارات عربی متحده، ایالات متحده امریکا، کانادا، آذربایجان، دانمارک و افغانستان نیز جزو ۲۰ کشور نخست در فهرست بزرگ ترین واردکنندگان اسلحه قرار دارند.

به گزارش خبرگزاری «نووستی»، الکساندر فومین، رئیس سرویس همکاری فناوری - نظامی فدرال روسیه در یک جلسه دولتی در خصوص قراردادهای دفاعی کشور گفت: بر اساس محاسبات اولیه، ارزش صادرات اسلحه روسیه در سال ۲۰۱۲ به مبلغی برابر ۱۶/۱۵ میلیارد دالر رسیده است. این امر بدان معناست که برنامه های ما با ۸/۱۱۱ درصد تحقق یافته است. این در حالی است که به گزارش روسیه، فروش اسلحه در سال ۲۰۱۱ برابر ۲/۱۳ میلیارد دالر بوده است، مبلغی که برای حفظ جایگاهش به عنوان دومین صادرکننده سلاح در جهان بعد از امریکا کافی بود.

برخی دولت ها، به هیچ وجه حاضر نیستند آمار بودجه نظامی خود را در اختیار سازمان ملل قرار دهند. دو و نیم درصد از بودجه نظامی جهان، برای ایجاد حداقل های سواد و بهداشت در مناطق شدیداً فقیرنشین دنیا، کفایت می کند. سوداگری اسلحه، بعد از تجارت مواد مخدر، دومین تجارت سودآور جهان امروز را به خود اختصاص داده است. سال گذشته دولت های جهان مجموعاً هزار و ۷۳۸ میلیارد دالر را به هزینه های نظامی اختصاص داده اند، یعنی حدود ۵۰ درصد بیش تر از بودجه نظامی جهان در سال ۲۰۰۱.

این رقم هنگفت، که تازه تجارت غیررسمی اسلحه را شامل نمی‌شود، در شرایطی از سوی سازمان ملل متحد اعلام شده است که تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان آمار رسمی بودجه نظامی خود را به سازمان ملل متحد اعلام نمی‌کنند.

هم چنین بنا به گزارش سال ۲۰۱۲ انستیتیوی بین المللی «مطالعات صلح استکهلم»، اگر بودجه ای کم تر از دو و نیم درصد این مبلغ یعنی سالانه ۴۰ میلیارد دلار صرف مبارزه با بی سواد و ارتقای استانداردهای بهداشت و درمان در مناطق شدیداً فقیرنشین دنیا شود، پس از گذشت حدود ۱۰ سال می‌توان امیدوار بود که فقر مطلق در تمامی دنیا ریشه کن شده و همه مردم دنیا از حداقلی از سواد و بهداشت برخوردار باشند.

به این ترتیب، تجارت پررونق اسلحه، سودهای سرشاری را نصیب شرکت های اسلحه سازی و واسطه گران آن کرده است، در حالی که ارمغان رونق این تجارت برای مردم جهان، چیزی جز مرگ، شکنجه، ویرانی و آوارگی نبوده؛ تجارتی که موجب کشته و زخمی شدن شمار زیادی از انسان ها، شکنجه، نقض جدی حقوق بشر، خشونت های جنسی و ظهور پدیده غیرانسانی «کودک - سرباز» شده است.

به گزارش یونیسف، در دهه اخیر، حدود ۳۰۰ هزار کودک در بیش از ۳۰ جنگ و مناقشه در سراسر دنیا به عنوان سرباز به کار گرفته شده اند. از این میان بیش تر از نیمی از جمعیت کودکان سرباز در افریقا هستند که بعضی از آن ها تنها هفت سال دارند و به دلیل فقر یا توسط خانواده فروخته شده اند، یا ربوده شده یا با انواع حيله ها به صف جنگندگان گروه های مختلف پیوسته اند و مورد انواع سوء استفاده ها قرار می گیرند.

هم اکنون، مجموع هزینه های نظامی در سراسر جهان معادل ۲/۵ درصد حجم کل تولید ناخالص داخلی دنیاست؛ یعنی سهم هر شهروند کره زمین از این بودجه بندی شوم، سالانه ۲۴۹ دلار می‌شود. هم چنین براساس گزارش سال ۲۰۱۲ مؤسسه بین المللی پژوهش های صلح استکهلم، این رقم در طول ۱۰ سال اخیر (سال ۲۰۱۱ نسبت به رقم مشابه در سال ۲۰۰۱) حدود ۵۰ درصد رشد کرده است.

در سال ۲۰۱۱، هزینه نظامی اختصاص یافته در قاره افریقا معادل ۳۴ میلیارد دلار، در امریکای شمالی ۷۳۴ میلیارد دلار، امریکای مرکزی و جنوبی ۷۳ میلیارد دلار، در آسیا و اقیانوسیه ۳۶۴ میلیارد دلار و در اروپا ۴۰۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود که در این میان قاره افریقا بیش ترین میزان رشد هزینه نظامی را نسبت به سال قبل با ۸/۶ درصد رشد به خود اختصاص داده است.

یکی از دلایل اصلی افزایش حدود ۵۰ درصدی مجموع بودجه نظامی کشورهای طی ۱۰ سال گذشته، مبارزه جهانی علیه «تروریسم» اعلام شده که به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در امریکا صورت گرفت. بالاترین بودجه تجهیز نظامی به دنبال این حملات، به کشور امریکا اختصاص دارد که صرف حمله نظامی به افغانستان و عراق شد؛ حمله ای که تا به امروز، بیش از ۱/۲ تریلیون دلار برای دولت امریکا هزینه به دنبال داشته است. علاوه بر این هزینه ۱۲۰۰ میلیارد دلاری، این حملات زیان های اقتصادی گسترده ای نیز به دنبال داشته که شامل تخریب زیرساخت ها، از بین رفتن سرمایه های انسانی به واسطه کشته و زخمی و آواره شدن شمار زیادی از انسان ها، اختلال در فعالیت های روزمره اقتصادی، از بین رفتن سرمایه گذاری خارجی و لطمه به درآمدهای ناشی از توریسم می‌شود؛ که کارشناسان هنوز تخمین درستی از میزان آن ها ندارند. از طرف دیگر، جالب توجه است که پنج عضو دائمی شورای امنیت یعنی امریکا، چین، روسیه، انگلیس و فرانسه، به ترتیب بیش ترین سهم از هزینه های نظامی دنیا را دارند. هم چنین این پنج کشور در مجموع ۶۰ درصد از تجارت جهانی اسلحه را در سال ۲۰۱۱ از آن خود کرده اند که در میان آن ها، امریکا با بودجه نظامی ۷۱۱ میلیارد دلاری در سال گذشته، بیش ترین بودجه نظامی دنیا را به خود اختصاص داده است.

در عین حال، این رقم ها تنها درباره بودجه ها و هزینه های نظامی دولت ها بوده و هیچ آماری در زمینه تجارت غیرقانونی و زیرزمینی اسلحه و فروش انواع سلاح های سبک به گروه های شبه نظامی و شورشیان درگیر در جنگ های داخلی، در دست نیست. به طور خاص، بخش بزرگی از هزینه های نظامی در کشورهای افریقای، به تجارت غیرقانونی و غیررسمی سلاح اختصاص دارد. افریقا، از جمله مهم ترین بازارها برای تجارت غیرقانونی سلاح های سبک و نیز سلاح های سنگین به شمار می رود. سلاح های سبک تقریباً از تمامی مراکز اسلحه سازی دنیا به این قاره فرستاده می شود. تخمین زده می شود که تجارت غیرقانونی اسلحه های سبک و ارزان قیمت در افریقا، رقمی در حدود یک میلیارد دلار را در هر سال به خود اختصاص می دهد. ماهیت زیر زمینی بودن این تجارت مانع از تخمین دقیق هزینه صرف شده در این بخش می شود.

سود سرشار ناشی از تولید و تجارت اسلحه سبب شده شرکت های تولیدکننده تجهیزات نظامی با قدرت و پیگیری هرچه بیش تر مانع از فعالیت های صلح طلبانه سازمان های بین المللی شوند. این شرکت ها، حتی در سال های بروز بحران اقتصادی در دنیا (از سال ۲۰۰۸ تاکنون)، هم چنان از بازار جهانی خوبی برخوردار بوده اند و قدرت اقتصادی بزرگ پشت پرده آن ها از جمله عوامل تأثیرگذار بر تصمیم گیری های تسلیحاتی و نظامی بسیاری از دولت ها محسوب می شود.

بر اساس گزارش کشورهای و آماری که در سال گذشته به سازمان ملل اعلام کرده اند، بیش ترین بودجه نظامی را به ترتیب امریکا با ۷۱۱ میلیارد دلار، چین ۱۴۳ میلیارد دلار، روسیه ۷۱/۹ میلیارد دلار، انگلستان ۶۲/۷ میلیارد دلار، فرانسه ۶۲/۵ میلیارد دلار، ژاپن ۵۹/۳ میلیارد دلار، هند ۴۸/۹ میلیارد دلار، عربستان سعودی ۴۸/۵ میلیارد دلار، المان ۴۶/۷ میلیارد دلار و برزیل ۳۵/۴ میلیارد دلار داشته اند.

بودجه های نظامی و اطلاعاتی و جاسوسی دولت ها، به ویژه دولت های مستبیدی چون ایران، همواره مخفی نگاه داشته می شوند و فقط گوشه هایی از آن ها در بودجه های سالانه مطرح می گردد و یا به نوعی به رسانه های درز داده می شود.

برای مثال، در سر فصل های اعتبارات نظامی ایران، مندرج در بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۱۳۸۹، بودجه نیروهای مسلح ایران برای سال آینده در حدود ۱۸۰۰۰۰ میلیارد تومان (معادل هجده میلیارد دلار) در نظر گرفته شده بود. از این رقم ۲۳۰۰ میلیارد تومان برای ارتش در نظر گرفته شده و برابر این مقدار نیز برای نیروهای انتظامی منظور شده است.

تعداد پرسنل ثابت نیروهای انتظامی، تقریباً برابر ارتش و نشان دهنده تقسیم اعتبارات بر مبنای تعداد کادرها و پرداخت حقوق و دست مزد به جای خرید ادوات دفاعی و نظامی است.

در مقایسه با ارتش، سپاه پاسداران با دریافت ۵۳۰۰ میلیارد تومان بیش از دو برابر ارتش اعتبار در اختیار دارد حال آن که شماره کادری ثابت سپاه از ارتش کم تر است. اعتبارات سپاه پاسداران نیز مانند ارتش عمدتاً صرف پرداخت حقوق و مزایا می شود و نه بالا بردن ظرفیت های واقعی نظامی آن ها. میزان پرداخت حقوق و مزایا در ارتش و سپاه، دو به یک به نفع سپاه پاسداران است.

یک گزارش جدید منتشر شده از سوی تعدادی از کارشناسان امریکائی نشان می دهد هزینه اقدام یک جانبه نظامی امریکا علیه ایران ممکن است تا سقف ۱۷۰۰ میلیارد دلار هزینه برای اقتصاد جهانی به همراه داشته باشد.

هیاتی ۹ نفره از «فدراسیون دانشمندان امریکا» (FAS) در گزارشی با برآورد میزان هزینه های اقتصادی ناشی از اقدامات احتمالی تحریمی یا نظامی امریکا علیه ایران نوشته است که این هزینه در کم ترین حالت از ۶۴ میلیارد دلار تا بیش ترین سناریو که ممکن است تا ۱۷۰۰ میلیارد دلار خسارت به همراه داشته باشد در نوسان است.

در این گزارش با برشمردن سناریوهای محتمل برای برخوردهای احتمالی امریکا با برنامه هسته‌ی ایران به سناریوهائی چون محاصره دریائی ایران، بلوکه کردن تنگه هرمز و ممانعت از فروش بین المللی نفت ایران اشاره شده که طبق این سناریوها که اقدام نظامی در آن مطرح نیست هزینه کرد اقتصاد جهانی ۳۲۵ میلیارد دلار برآورد شده است.

در سناریوهای دیگر، بمباران ایران و حمله نظامی مطرح است که هزینه آن برای اقتصاد جهانی از ۷۰۰ تا ۱۷۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

«پاول سولیوان»، استاد اقتصاد دانشگاه جورج تاون در این باره می‌گوید: «هر گونه حمله به ایران ممکن است قیمت نفت را تا مرز ۲۵۰ دلار بالا ببرد که این مسأله می‌تواند اقتصاد ایالات متحده را به یک دوره رکورد دیگر ببرد.» (کامل این گزارش، در «شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان» منتشر شده است)

در رابطه با این که اگر حکومت اسلامی ایران به سلاح هسته‌ی مجهز شود چه خطراتی منطقه و افغانستان را تهدید خواهد کرد از هم اکنون نمی‌توان در این مورد موضع‌گیری کرد. اما آن چه که روشن است دولت‌های قدرت مند غربی، علاقه ندارند حکومت اسلامی ایران، سلاح اتمی داشته باشد. دست‌یابی این حکومت به این سلاح مخرب بسیار سخت‌تر است. چرا که دولت‌های اصلی دارنده و تولیدکننده سلاح‌های اتمی، حکومت اسلامی را تحریم کردند بنابراین، دست‌یابی حکومت اسلامی به مواد و ابزارهای نیروگاه‌های اتمی چندان ساده نمی‌باشد و عمدتاً برخی امکانات از طریق برخی واسطه‌ها با هزینه‌های بالائی به دست حکومت اسلامی می‌رسد. به خصوص مدت‌هاست که ویران‌گری تحریم‌های اقتصادی بر مردم ایران اثبات شده است کم‌تر کسی در ایران، علاقه دارد که حکومت اسلامی با سیاست‌های موجود خود، کشور را زیر فشارهای خریدکننده تحریم‌های بیش‌تر و یا جنگی خانمانسوز ببرد. گذشته از این، فرض کنیم اگر حکومت اسلامی ایران مجهز به سلاح اتمی شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ حتی تصورش هم نگران‌کننده است. چرا که احتمال دارد اسرائیل و امریکا به ایران حمله کنند. در چنین روندی احتمال این که حکومت اسلامی از سلاح‌های مخرب خود استفاده کند و اسرائیل را با موشک‌های دوربرد خود بزند بعید نیست. اگر چنین جنگی آغاز شود ابعاد آن تنها به ایران و اسرائیل و امریکا محدود نخواهد ماند و بسیاری از کشورهای منطقه از جمله افغانستان را نیز وارد این محدود جنگی خواهد کرد و یک فاجعه عظیم و بزرگی برای کل مردم منطقه به خصوص ایران به بار خواهد آورد.

در رابطه با دفن زباله‌های اتمی حکومت اسلامی نیز اظهارات مختلفی مطرح است. اما یک مسأله در این مورد درباره همه کشورهای دارنده زباله‌های اتمی صدق می‌کند این است که آن‌ها سعی می‌کنند در کشور خود، این زباله‌ها را به دور از چشم مردم و مخفیانه در جاهای معینی دفن کنند و از سوی دیگر، آن‌ها را به کشورهای فقیر انتقال دهند. از این رو، یک بحث درباره افغانستان این است که کشورهای انگلیس و امریکا و هم پاکستان زباله‌های اتمی خود را در ولایت هلمند افغانستان دفن می‌کنند. از این رو، دور از انتظار نیست که حکومت اسلامی نیز زباله‌های اتمی‌اش را در استان سیستان و بلوچستان و در مرزهای افغانستان دفن کند. اما مدرک مستندی در این باره وجود ندارد.

روزنامه غیردولتی «هشت صبح» کابل، به نقل از محمداکرم همایون رئیس برنامه ریزی اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان نوشته بود پاکستان در زمان حاکمیت گروه طالبان، در فرصتی مناسب زباله‌های اتمی خود را در ولایت‌های هلمند و قندهار جنوب افغانستان دفن کرده است. وی، افزود: دفن زباله‌های اتمی برای آن که به انسان‌ها و محیط زیست آسیب نرساند، به میلیاردها دلار نیاز دارد اما پاکستان از اختصاص چنین مبلغی برای دفن اصولی زباله‌های اتمی ناتوان است. این در حالی است که چهار سال پیش «فاروق وردک» وزیر کنونی آموزش و پرورش افغانستان، دفن زباله‌های اتمی پاکستان در این کشور را مطرح کرده بود. در آن زمان حامد کرزی رئیس‌جمهور

افغانستان هیأتی را موظف کرد تا درباره این موضوع به گونه علمی و فنی بررسی و تحقیق کند. همایون افزود هنوز نتایج تحقیقات هیأت موظف درباره موضوع دفن زباله های اتمی پاکستان در جنوب افغانستان از طریق رسانه ها منعکس نشده است.

دولت افغانستان، اعلام کرده است در صورتی که ثابت شود که کشوری زباله های اتمی خود را در خاک افغانستان دفن کرده است، افغانستان این موضوع را در سطح بین المللی پیگیری خواهد کرد. البته در این مورد علاوه بر پاکستان، نام دولت های امریکا و انگلیس و ایران نیز برده شده است.

بر اساس برنامه تدوین شده بین المللی، حکومت اسلامی موظف است پس مانده ها و زباله های هسته ای نیروگاه اتمی بوشهر را مطابق استانداردهای جهانی و معیارهای ایمنی دفن کند. اما به دلیل این که بخش اعظم فعالیت های اتمی حکومت اسلامی ایران، کاملاً مخفیانه صورت می گیرد هیچ کس نمی داند که زباله های خطرناک را چگونه در چه نقاطی از کشور دفن می کنند. بنابراین، هیچ کنترلی بر این فعالیت خطرناک و مضر حکومت اسلامی وجود ندارد.

کارشناس پسمانداری معاونت نیروگاه های سازمان انرژی اتمی کشور، ادعا کرده است: «در آینده همه این زباله ها از نظر ایمنی و محیط زیست بررسی و کنترل می شوند و هیچ نگرانی از نظر دفن آن وجود ندارد.»!

برای مثال، بنا به اقرار همین مسئول، قسمتی از آب استفاده شده در نیروگاه اتمی بوشهر دوباره به دریا برمی گردد که در این مرحله نیز روشن نیست موازین ایمنی از نظر کنترل بهداشتی آب بازگشتی به دریا چگونه انجام می شود؟

حتی جمع آوری زباله های معمولی و پس مانده های بیمارستانی که خطرناک و عفونی هستند بر اساس موازین بهداشتی صورت نمی گیرد. یافته های آماری در ایران نشان می دهند که در هر روز تقریباً ۳۰ هزار تن و در سال بیش از ۹ میلیون تن زباله در کشور جمع آوری می شود که قسمت اعظم این مواد قابل بازیافت است. برای مثال، روزانه ۵۰۰۰ تن زباله نان خشک و سالانه ۱۸۲۵۰۰ تن نان خشک به عنوان مواد دورریختنی وارد سیستم مواد زائد می شود که اگر به طور جداگانه جمع آوری شود، می توان از آن استفاده های متعدد به عمل آورد.

خطرات و زیان های زباله اتمی یکسان نبوده به نوع و میزان مواد رادیواکتیو موجود در آن ها بستگی تام دارد. با توجه به مقدار مواد رادیواکتیو و خاصیت زیان بخشی این گونه مواد، آن ها به سه گروه تقسیم بندی می شوند: الف- زباله های اتمی دارای مواد رادیواکتیو قوی؛ ب- زباله های اتمی دارای مواد رادیواکتیو متوسط؛ و ج- زباله های اتمی دارای مواد رادیواکتیو ضعیف.

زباله های دارای مواد رادیواکتیو قوی عموماً در نیروگاه های هسته ای به وجود می آیند که بسیار قوی است. زباله های دارای مواد رادیواکتیو متوسط نیز در نیروگاه های اتمی هنگام بازیابی از میله های سوخت و هم چنین در زمان تولید عناصر سوخت اتمی حاصل می شوند. زباله های اتمی دارای مواد رادیواکتیو ضعیف در تمامی اماکنی که انسان، به نحوی با اشعه رادیواکتیو سروکار داشته باشد مانند لابراتورهای تحقیقاتی و پزشکی به دست می آیند. مهم ترین آسیب های ناشی از زباله های اتمی: بیماری های سرطانی و ایجاد اختلال در ژن ها، هستند. مدت زمان خطر زباله ها بین چند ثانیه تا چندین میلیون سال متفاوت است.

مواد کیمیایی و پس مانده آن ها جزء گروه موادی هستند که به سادگی نمی توان از خواص آنی و یا آتی آن ها چشم پوشید. بیش تر زباله های کیمیایی خطرناک در چهار گروه اصلی طبقه بندی می شوند: ۱- مواد آلی؛ ۲- فلزات و مواد معدنی شامل نمک ها، اسیدها و بازها؛ ۳- مواد قابل احتراق؛ و ۴- مواد قابل انفجار.

این گونه مواد خطرناک ابتداء در مخازن ویژه ای جمع آوری شده و پس از انبار کردن اگر جامد باشند، با مخازن و در حالت مایع به وسیله پمپاژ به درون خودروهای مجهز به علائم ویژه انتقال می یابند. مخازن یا شبکه های جمع

آوری مواد در بسیاری از موارد مهر و موم شده و تحت کنترل شدید قرار می گیرند. تماس مستقیم دست با این گونه مواد در همه مراحل شدیداً ممنوع اعلام گردیده است.

محل دفع زباله های هسته ئی، سال های متمادی مورد مطالعه قرار گرفته است و توجه کلی از آن دفع کم تر محتمل آن ها در اقیانوس و یا در زیر کلاهک های یخ قطبی به این سو جلب شد که بایستی زباله ها را دوباره در سنگ هائی قرار داد که از آن جا آمده اند. محل های سنگی دفع زباله ها مناسب است، زیرا شانس بهتری دارد که هزاران سال دست نخورده باقی بماند و فرصت لازم برای عایق سازی زباله ها و در نتیجه واپاشی هسته ئی آن ها به سطح تشعشع قابل قبول را فراهم آورد.

هر ساله مقادیر زیادی مواد زاید خطرناک تولید می شود که به راستی موجب نگرانی است. این مواد نه تنها مواد غذایی و آب و هوا را آلوده می کند، بلکه زیست بوم هائی را که انسان به آن ها متکی است، به شدت تهدید می کند. مواد زاید خطرناک شامل رنگ های روغنی، تینر، ضد یخ و... هستند. اما خطرناک ترین زباله ها، زباله های هسته ئی است. اشکال این مواد در این است که در حال عادی غیرقابل تجزیه بوده و عمر بسیار طولانی دارند و در تمام طول عمر خود، پرتوهای مخرب و مضر را از خود متصاعد می کنند که برای انسان و دیگر موجودات و محیط زیست خطرناک هستند.

اگر مقررات بهداشتی زیست محیطی به طور کامل رعایت نشود قطعاً مشکلات جبران ناپذیری را در سطح جامعه ایجاد می کند؛ بر اساس مطالعه ای که توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) صورت گرفته است عدم توجه به جمع آوری و دفع مواد زائد، ۳۲ نوع مشکل زیست محیطی را در جامعه به وجود آورده است. تکنیک جمع آوری، حمل و نقل و دفع زباله های شهری با توجه به قدمت تاریخی، اهمیت ویژه بهداشتی، اقتصادی و علیرغم همه موفقیت ها در علوم و تکنولوژی از پیشرفت چندانی برخوردار نیست. ازدیاد جمعیت و توسعه صنایع و نیز رابطه مستقیم آن ها با افزونی زباله های شهری و صنعتی مسائل بفرنجی را به وجود آورده که هم اکنون در بعضی از شهرهای کشور ما به صورت بحران های زیست محیطی مطرح می شود. در حال حاضر امر جمع آوری و حمل این مواد در بسیاری از شهرهای کشور به صورت غیر بهداشتی انجام شده و در بسیاری از موارد از تکنیک های بسیار قدیمی برخوردار است. افزایش بهای ماشین آلات و هزینه های حمل و نقل زباله و نیز کمبود داوطلبان کار در این حرفه از یک سو و بهره گیری غیر اصولی از بازیافت مواد زائد و عدم آگاهی و توجه مردم به این مسأله مهم بهداشتی از سوی دیگر، همواره بر این مشکل می افزاید. شیوع بیماری های خطرناک از طریق انتشار مگس، موش و دیگر حیوانات موذی، مشکلات زباله های بیمارستانی، ورود سموم و فلزات سنگین در زنجیره های غذایی از طریق استفاده غیر صحیح از کودهای کمپوست و نیز اشاعه آلودگی در محیط توسط کارگران شاغل در این حرفه مسأله ای است که ضرورت توجه به آن از طریق یک برنامه ریزی صحیح به خوبی احساس می شود. بنابراین، اهمیت بهداشتی و اقتصادی دفع بهداشتی زباله با توجه به نوع مواد و ویژگی روش های دفع در کشور ما و سایر کشورهای به اصطلاح «جهان سوم» از جمله مطالبی است که در این مقاله مورد بحث قرار می گیرد.

در ایران زباله ها یا در خاک دفن شده یا بیش تر در طبیعت، در مناطقی نزدیک شهرها، انبار می شوند تا بعد سوزانده شوند. همه این راه ها برای محیط زیست خطرناک است و باعث فرسایش خاک، آلودگی هوا، زشت کردن طبیعت و نامناسب شدن محیط طبیعی برای حیات وحش می شود. مهم تر از همه برای همه موجودات زنده خطرناک هستند.

هم اکنون تنها در تهران، روزانه بیش تر از هفت هزار تن زباله تولید می کنند که هزینه سالانه جمع آوری آن برای شهرداری تهران، حدود ۵۰ میلیارد تومان است. این زباله مقادیر زیادی گاز گلخانه ئی دی اکسید کربن تولید می کند و حجم زیادی شیرابه از آن خارج می شود که سبب آلودگی آب های زیر زمینی و خاک است.

در شهر مشهد حدود ۱۵۰۰ تن و در شهرهای اصفهان، شیراز و تبریز نیز هر يك بالغ بر ۱۰۰۰ تن زباله تولید می شود. این تولید در سراسر کشور از روند روبه رشدی برخوردار بوده و کم ترین چاره ای و راهکاری در این مورد ارائه نشده است.

هم زمان افزایش جمعیت و ازدیاد تولید زباله باعث می شود محل های دفن زباله هر سال بیش تر گسترش یابد. اگر تولید زباله با همین روال ادامه یابد، مدت زیادی طول نخواهد کشید که اراضی اطراف شهرها پر از زباله شده و محلی برای دفن زباله باقی نخواهد ماند.

بازگشت به طبیعت در مورد بسیاری از مواد موجود در زباله مدت ها طول می کشد و این مواد سال ها باعث آلودگی و آسیب به محیط زیست می شوند. شیشه و قوطی های فلزی و به ویژه آلومینیومی صدها سال روی زمین باقی می ماندند. کیسه ها و ظروف پلاستیکی امروزه یکی از بزرگ ترین مشکلات زیست محیطی هستند.

پلاستیک غیرقابل تجزیه است و کیسه های نایلونی حدود ۳۰۰ سال در محیط باقی می ماندند. کیسه های پلاستیکی همراه باد همه جا پخش می شوند و گاه سر از دریا در می آورند و بلعیده شدن آن ها توسط آبزیان سبب مرگ آن ها می شود. چنانچه پلاستیک و نایلون موجود در زباله سوزانده شود، اسید کلریدریک ایجاد می کند که باعث آلودگی هوا می شود و به انسان و دیگر موجودات آسیب می زند.

در عین حال، انباشته شدن زباله در اطراف شهرها شرایط مساعدی برای رشد میکروب ها و تولید و تکثیر حشرات و جانوران موذی نظیر موش ایجاد می کند. مگس که ناقل انواع اسهال، حصیه، وبا و سل است و موش که تکثر آن بستگی به میزان زباله دارد و تیفوس و طاعون را اشاعه می دهد، در اثر انباشتگی زباله سلامت محیط انسانی را تهدید می کنند.

بعضی زباله های خانگی مثل انواع لامپ های مهتابی و جیوه ئی و لوازم الکترونیک به علت داشتن سرب و جیوه در ترکیب خود خطرناکند. هم چنین تعویض خانگی روغن موتور ماشین و جاری کردن آن در فاضلاب شهری به دلیل وجود مواد سمی باعث آلودگی آب ها می شود. يك لیتر روغن موتور می تواند تا يك میلیون لیتر آب سالم را آلوده کند. در حالی که این روغن موتور قابل بازیافت و استفاده مجدد است و می توان آن را به تعویض روغنی ها تحویل داد تا برای تصفیه مجدد تحویل پالایشگاه دهند.

مدیریت زباله های شهری در ایران، همانند عرصه های دیگر بحرانی و بی تفاوتی و عدم توجه به بهداشت عمومی شهروندان است. سیاست هائی که گروه گروه انسان ها را اعدام می کند و هرگونه اعتراضی را با گلوله جواب می دهد آیا به بهداشت عمومی جامعه، اهمیت می دهد؟! هنگامی که می بینیم هر سال فقط در پایتخت نمایندگان خدا، هزاران انسان بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند دیگر بحث از مدیریت زباله های شهر و اتمی بی معنی خواهد شد!

به گفته یکی از کارشناسان محیط زیست در سازمان محیط زیست ایران، هنوز هیچ برنامه ای در زمینه بازیافت مواد الکترونیک به ویژه مواد سمی موجود در اجزاء سخت افزار کامپیوتر ها وجود ندارد. به گفته این کارشناس، اگر چه مواد سمی در کامپیوتر ها وجود دارد ولی بازیافت آن ها به مراتب گران تر از دور انداختن آن هاست و در نتیجه هنوز پیش بینی های لازم در این زمینه اتخاذ نشده است.

به این ترتیب، امروزه واقعا تنها نگهداری زباله های اتمی به یک معضل بزرگ جوامع کشور های پیشرفته جهان تبدیل شده است! در چنین وضعیتی در کشورهایمانند ایران، که جان آدمیزاد ارزش ندارد چه برسد حاکمان و مسؤولان آن، توجهی به چگونگی دفن زباله های اتمی داشته باشند؟! به خصوص فعالیت های اتمی حکومت اسلامی، مخفیانه و خارج از معیارها و قوانین بین المللی انرژی اتمی صورت می گیرد کسی از ابعاد عوارض و عواقب مخرب آن ها علیه مردم

و محیط زیست خبر چندانی ندارند. یعنی هیچ نهاد داخلی و بین المللی بر فعالیت های اتمی و مخرب حکومت اسلامی نظارتی ندارند و طبیعاً هیچ معیار بین المللی علمی نیز در آن ها مدنظر نمی باشد! این مسأله نه تنها برای جامعه ایران، بلکه همسایه آن نیز خطرناک است.

حکومت اسلامی، مدعی است که با انرژی هسته ای استاندارد زندگی مردم را بهبود خواهد بخشید در حالی که در ده سال گذشته به دلیل تحریم های اقتصادی ایران، کیفیت زندگی مردم ایران به شدت نزول کرده است و گرانی و تورم و بی کاری برای اکثریت مردم ایران غیرقابل تحمل شده است. حتی بسیاری از مردم ایران، نگران تأمین نیازهای روزمره خود هستند. به علاوه این که ایران همواره با تهدید نظامی امریکا و اسرائیل را روبه رو است.

اما واقعیت های حاکی از آن است که حکومت اسلامی به دنبال دست یابی به سلاح هسته ای است و در این راه نیز حاضر به هر ریسک اقتصادی و حتی نظامی شده است. به گزارش «تابناک»، ۶ جوزا ۱۳۹۱، مؤسسه امریکائی علوم و امنیت بین المللی، بر پایه گزارش جدید آژانس، تحلیلی را منتشر کرده و مدعی شده که هم‌اکنون ایران پتانسیل ساخت پنج بمب اتمی را دارد.

خبرگزاری «رویترز» ضمن بیان این خبر نوشت: پایه این ادعا، وجود این نکته در گزارش آژانس است که ایران در سه ماهه اخیر، تولید اورانیوم با غنای پائین خود را به طور چشم گیری افزایش داده است.

هم چنین در گزارش آژانس آمده است، ایران از زمان آغاز فعالیت های غنی سازی خود در سال ۲۰۰۷، تاکنون نزدیک ۶/۸ تن اورانیوم با غنای ۳/۵ درصد تولید کرده که میزانی از آن نیز به غنای بالاتر انتقال پیدا کرده است.

این میزان، نزدیک ۷۵۰ کیلوگرم، بیش از آن چیزی است که در گزارش ماه فبروری آژانس به آن اشاره شده بود. مؤسسه علوم و امنیت بین المللی نیز بر همین اساس گفته که تولید ماهانه ایران حدود سه برابر شده است. این مؤسسه در گزارش خود آورده است: «این حجم کلی اورانیوم با غنای ۳/۵ درصد، در صورتی که غنی سازی آن تا سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح ادامه یابد، برای تولید بیش از پنج بمب هسته ای کافی است.»

در گزارش مؤسسه علوم و امنیت بین المللی، هم چنین آمده است، گویا ایران هنوز در آزمایش دستگاه های سانتریفیوژهای پیشرفته تر - که می تواند به پالایش سریع تر اورانیوم منجر شود - مشکل دارد؛ هرچند در این زمینه پیشرفت هایی داشته است.

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی در گزارش سال گذشته خود، درباره برنامه هسته ای ایران، بار دیگر بر تعهد حکومت اسلامی برای مذاکره با آژانس برای حل موضوعات باقی مانده تأکید کرده است.

... تحت توافق نامه پادمان، ایران وجود ۱۶ سایت هسته ای و ۹ مکان خارج از تأسیسات، جایی که مواد هسته ای به طور معمول استفاده می شود را اعلام کرده است. با وجود آن که برخی از فعالیت های خاصی که توسط ایران در برخی از تأسیسات خود انجام می دهد با قطعنامه های شورای حکام و شورای امنیت، همان طور که در ادامه اشاره می شود، در تضاد است آژانس هم چنان به راستی آزمائی عدم انحراف مواد اعلام شده در این سایت ها و مکان های خارج از سایت ها ادامه می دهد.

...

۱۱ - کارخانه غنی سازی سوخت: کارخانه غنی سازی سوخت یک کارخانه غنی سازی سانتریفیوژی است که برای تولید اورانیوم با غنای پائین نهایتاً تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۵ درصد، ساخته شده و اولین بار در سال ۲۰۰۷ آغاز به کار کرده است. این کارخانه به دو بخش سالون تولید A و سالون تولید B تقسیم شده است. بنا بر اطلاعات طراحی که ایران ارائه کرده، سالون تولید A برای استقرار ۸ واحد هریک شامل ۱۸ آبشار، طراحی شده و مجموعاً ۲۵ هزار سانتریفیوژ در آن قرار می گیرد. ایران هم چنان باید اطلاعات طراحی سالون تولید B را ارائه دهد.

۱۲. همان طور که در تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۱۲ گزارش شده، ایران ۶۱ آبشار را به طور کامل در سالن تولید A نصب کرده، که ایران اعلام کرده است ۵۴ مورد از این آبشارها با هگزافلوراید اورانیوم طبیعی تغذیه شده‌اند. ایران هم چنین بخشی از یک آبشار دیگر را نیز نصب کرده است. عملیات نصب اولیه برای ۲۸ آبشار دیگر تکمیل شده و این عملیات در ۲۸ آبشار دیگر ادامه داشته است. تمام سانتریفیوژهای نصب شده در سالن تولید A از نوع IR-1 هستند.

۱۳. آژانس از تاریخ ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۲ تا ۱۱ نومبر ۲۰۱۲ یک مرحله رآستی آزمائی اقلام فزیکى (PIV) را در کارخانه غنى سازی سوخت انجام داده و تائید کرده است که مشابه گزارش ۲۱ اکتوبر ۲۰۱۲، از زمان آغاز به کار این کارخانه در فبرورى ۲۰۰۷، ۸۵۶۴۴ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم طبیعی به آن تزریق شده و در مجموع ۷۴۵۱ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم طبیعی غنى شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۵ درصد، تولید شده است. ایران برآورد کرده است که از تاریخ ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۲ تا ۹ نومبر ۲۰۱۲، مجموعاً ۱۵۷۶ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم طبیعی به آبشارها تزریق کرده و در مجموع حدود ۱۶۰ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم غنى شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۵ درصد تولید کرده، که این مقدار، میزان تولید هگزافلوراید اورانیوم غنى شده تا سطح ۵ درصد از زمان آغاز تولید را به ۷۶۱۱ کیلوگرم رسانده است.

۱۴. بر اساس نمونه های محیطی گرفته شده از کارخانه غنى سازی سوخت از فبرورى ۲۰۰۷، و هم چنین دیگر فعالیت های رآستی آزمائی انجام شده، آژانس به این نتیجه رسیده است که این تأسیسات منطبق با پرسش نامه اطلاعات طراحی (DIQ) ارائه شده از سوی ایران، فعالیت کرده اند.

۱۵. کارخانه غنى سازی آزمایشی سوخت: کارخانه غنى سازی آزمایشی سوخت یک تأسیسات تحقیقات و توسعه و تولید اورانیوم آزمایشی با غناى پائین (LEU) است، که اولین بار در اکتوبر ۲۰۰۳ عملیاتی شده است. این تأسیسات یک سالن آبشار دارد که این سالن می تواند ۶ آبشار را در خود جای دهد و به دو بخش تقسیم شده، که یکی از این بخش ها برای تولید اورانیوم آزمایشی غناى پائین نهایتاً تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۲۰ درصد طراحی شده (آبشارهای ۱ و ۶) و بخش دیگر آن برای تحقیقات و توسعه (آبشارهای ۲، ۳، ۴ و ۵) طراحی شده است.

۱۶. بر اساس رآستی آزمائی اقلام فزیکى (PIV) که آژانس از تاریخ ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۲ تا اول اکتوبر ۲۰۱۲ در کارخانه غنى سازی آزمایشی سوخت انجام داده، آژانس به این نتیجه رسیده است که عملکرد کارخانه با وجود درصد خطای معمول که برای چنین تأسیساتی وجود دارد، مطابق با اطلاعات ارائه شده از سوی ایران در تاریخ ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۲، بوده است.

۱۷. بخش تولید: همان طور که در تاریخ ۶ نومبر ۲۰۱۲ گزارش شد، ایران در حال تزریق هگزافلوراید اورانیوم به دو آبشار مرتبط به هم (آبشارهای ۱ و ۶) که مجموعاً ۳۲۵ سانتریفیوژ IR-1 در آن ها وجود دارد، بوده است.

۱۸. آژانس تائید کرده است که، همان طور که در تاریخ ۱۵ سپتمبر ۲۰۱۲ گزارش شد، از فبرورى ۲۰۱۰ یعنی زمان آغاز به کار کارخانه غنى سازی سوخت، ۱۱۹.۶ کیلوگرم از هگزافلوراید اورانیوم غنى شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۵ درصد به آبشارهای بخش تولید این کارخانه تزریق شده، و مجموعاً ۱۲۹.۱ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم غنى شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۲۰ درصد تولید شده است. ایران برآورد کرده است که از تاریخ ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۲ تا ۱۱ نومبر ۲۰۱۲، مجموعاً ۵۷.۴ کیلوگرم از هگزافلوراید اورانیوم تبدیل شده به اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۵ درصد تولید شده در کارخانه غنى سازی سوخت به آبشارهای بخش تولید تزریق شده و تقریباً ۸.۲ کیلوگرم از هگزافلوراید اورانیوم غنى شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۲۰ درصد تولید شده است. بنابراین میزان تولید هگزافلوراید اورانیوم غنى شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غناى ۲۰ درصد در کارخانه غنى سازی آزمایشی سوخت از ابتدای آغاز به کار آن، باید به ۱۳۷.۳ کیلوگرم رسیده باشد.

۱۹. بخش تحقیقات و توسعه: از زمان گزارش قبلی مدیرکل، ایران به صورت مداوم هگزافلوراید اورانیوم را به سانتریفیوژهای IR-2m و IR-4 تزریق کرده، گاهی اوقات به ماشین های تکی و برخی موارد نیز به آبشارهای کوچک یا بزرگ تر. ایران هنوز ۳ نوع جدید سانتریفیوژها (IR-5، IR-6، IR-6s) را که پیش از این اعلام کرده بود قصد نصب آنها را دارد، نصب نکرده است.

۲۰. از تاریخ ۲۲ اگست ۲۰۱۲ تا تاریخ ۱۱ نومبر ۲۰۱۲، مجموعاً حدود ۱۹۸.۶ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم طبیعی به سانتریفیوژهای بخش تحقیقات و توسعه تزریق شده، اما هیچ اورانیوم آزمایشی با غنای پائینی به عنوان تولیدی از آن خارج نشده و آنچه به دست آمده، در پایان روند بازترکیب شده است.

۲۱. بر اساس تحلیل انجام شده بر روی نمونه های محیطی گرفته شده از کارخانه غنی سازی آزمایشی سوخت و دیگر فعالیت های راستی آزمائی انجام شده، آژانس به این نتیجه رسیده که تأسیسات همان گونه کار کرده است که ایران در پرسش نامه اطلاعات طراحی عنوان کرده بود.

۲۲. کارخانه غنی سازی سوخت فردو: کارخانه غنی سازی سوخت فردو بر اساس پرسش نامه اطلاعات طراحی به تاریخ ۱۸ جنوری ۲۰۱۲، یک کارخانه غنی سازی سانتریفیوژی برای تولید هگزافلوراید اورانیوم غنی شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۲۰ درصد و تولید هگزافلوراید اورانیوم غنی شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۵ درصد است. هنوز لازم است ایران اطلاعات بیشتری در مورد این تأسیسات ارائه دهد، به خصوص در سایه اختلاف موجود میان کاربری که پیش از این ایران برای این تأسیسات اعلام کرده و کاربری که اکنون این تأسیسات دارد. این تأسیسات که اولین بار در سال ۲۰۱۱ عملیاتی شده، ۱۶ آبشار دارد که این آبشارها به طور مساوی بین واحد ۱ و واحد ۲ تقسیم شده اند و مجموعاً ۲۷۸۴ سانتریفیوژ دارند. تاکنون، تمام سانتریفیوژهای نصب شده در این کارخانه از نوع IR-1 هستند. ایران هم چنان باید به اطلاع آژانس برساند که کدام یک از این آبشارها برای تولید اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۵ درصد استفاده می شود و یا کدامیک برای تولید اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۲۰ درصد.

۲۳. از زمان گزارش پیشین مدیرکل، ایران ۶۴۴ سانتریفیوژ در کارخانه غنی سازی سوخت فردو نصب کرده و به این ترتیب ایران نصب سانتریفیوژها در هر ۸ آبشار واحد ۱ را به پایان رسانده که البته هنوز به هیچ یک از آنها هگزافلوراید اورانیوم تزریق نشده است. ایران پیش از این هم تمام ۸ آبشار واحد ۲ را نصب کرده بود، که ۴ تای این آبشارها (که از دو مجموعه آبشارهای متصل به هم تشکیل شده اند) با هگزافلوراید اورانیوم غنی شده تا سطح اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۵ درصد تغذیه شده اند و ۴ تای آنها مورد آزمون خلاء قرار گرفته و آماده تزریق هگزافلوراید اورانیوم بودند.

۲۴. ایران برآورد کرده است که بین تاریخ ۱۴ دسمبر ۲۰۱۱ یعنی از زمانی که تغذیه اولین مجموعه از دو آبشار متصل به هم آغاز شده، تا تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۱۲، مجموعاً ۶۹۳ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم غنی شده تا اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۵ درصد به آبشارهای کارخانه غنی سازی سوخت فردو تزریق شده و تقریباً ۹۵.۵ کیلوگرم هگزافلوراید اورانیوم غنی شده تا اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۲۰ درصد تولید شده، که ۷۳.۷ کیلوگرم از آن از روند تولید خارج شده و توسط آژانس مورد راستی آزمائی قرار گرفته است.

۲۵. بر اساس نتایج تحلیل انجام شده بر روی نمونه های محیطی گرفته شده در کارخانه غنی سازی سوخت فردو، و هم چنین بر اساس دیگر اقدامات راستی آزمائی، آژانس به این نتیجه رسیده است که این تأسیسات منطبق با پرسش نامه اخیر اطلاعات فنی ارائه شده از سوی ایران فعالیت کرده است.

۲۶. آژانس هم چنان منتظر است برای درخواست هایش از ایران در مورد اعلام این کشور مبنی بر ساخت ۱۰ تأسیسات جدید غنی سازی اورانیوم که تصمیم ساخت ۵ مورد آنها اتخاذ شده، پاسخی واقعی از ایران دریافت کند.

آژانس در برابر درخواستش از ایران در مورد اعلامیه این کشور در تاریخ ۷ فبروری ۲۰۱۰ مبنی بر به دست آوردن فناوری غنی سازی لیزری نیز اطلاعاتی دریافت نکرده است. در نتیجه عدم همکاری کامل ایران بر سر این موضوعات، آژانس نمی تواند این موارد را تأیید کند و به طور کامل در مورد آن ها گزارش دهد.

۲۷. بر اساس قطعنامه های شورای حکام و شورای امنیت، ایران ملزم به تعلیق فعالیت های بازفرآوری خود شامل تحقیقات و توسعه است. ایران اعلام کرده است که «فعالیت های بازفرآوری ندارد». آژانس به نظارت خود بر استفاده از سلول های داغ در رآکتور تحقیقاتی تهران و و تأسیسات تولید مولبدینیوم، یودین، و رادیو ایزوتوپ زنون ادامه داده است. آژانس در تاریخ ۱۱ نومبر ۲۰۱۲، یک مرحله بازرسی و راستی آزمائی اطلاعات طراحی در رآکتور تحقیقاتی تهران انجام داد، و یک مرحله راستی آزمائی اطلاعات طراحی در تأسیسات تولید مولبدینیوم، یودین، و رادیو ایزوتوپ زنون هم در تاریخ ۱۲ نومبر ۲۰۱۲ انجام داده است. آژانس تنها در مورد رآکتور تحقیقاتی تهران، تأسیسات تولید مولبدینیوم، یودین، و رادیو ایزوتوپ زنون و دیگر تأسیساتی که به آن ها دسترسی داشته، می تواند تأیید کند که هیچ فعالیت بازفرآوری در ایران در جریان نیست.

مهم تر از همه، بر اساس آمارهای منتشر شده حکومت اسلامی ایران در نزدیک به هشت سال گذشته، حدود ۵۳۱ میلیارد دلار تنها از منبع فروش نفت درآمده داشته است با این وجود گرانی و فقر و بی کاری در جامعه ایران غوغا می کند و بیش از ده میلیون نفر از نیروی کار آماده ایران، بی کار است و اکثریت مردم ایران، حتی از تأمین نیازهای روانه شان نیز در رنجند.

اختصاص بودجه های کلان به عرصه میلیتاریسم و دزدی های کلان سران و مقامات حکومتی و نزدیکان آن ها که فقط یک رقم آن سه میلیارد دلار ناقابل است افزون بر تحریم های اقتصادی ایران و هدف منسازای یارانه ها (یعنی حذف سوبسیدهای دولتی)، عوامل اصلی فقر و آسیب ها و بحران های اجتماعی ناشی از آن در جامعه ایران هستند.

تحریم های وضع شده از سوی امریکا علیه ایران، در سطح منطقه نیز موضوعی قابل توجه است. در این راستا، تحلیل ها حاکی از آن است که روسیه و ترکیه از جنبه های مختلف به بزرگ ترین نفع برندگان از تحریم ایران تبدیل شده اند. به گفته «مهرداد عمادی»، مشاور اقتصادی اتحادیه اروپا، این تحریم ها توان اقتصاد ایران را برای تحصیل ارز از صادرات انرژی بسیار کم کرده است. بر اساس آمار رسمی اعلام شده بین ۳۵ تا ۴۵ درصد درآمد ارزی ایران از صادرات نفت و گاز کاهش پیدا کرده است.

همه تحلیل ها و گزارشات نشان می دهند که تحریم ها به طور مستقیم روی زندگی مردم ایران تأثیر گذاشته اند. بنا به تحلیل کارشناسان اقتصادی، ۶۰ درصد هزینه هائی که در حال حاضر مردم ایران می پردازند به خاطر حذف سازمان مدیریت و برنامه ریزی و در نتیجه حذف کار کارشناسی از اقتصاد ایران است و ۴۰ درصد آن نتیجه مستقیم تحریم هاست.

خبرگزاری حکومت فارس، ۹ حوت ۱۳۹۱، درباره لایحه بودجه ۹۲ کل کشور نوشت: «دولت در لایحه بودجه سال ۹۲ کل کشور قیمت نفت در بودجه را ۹۵ دلار محاسبه و درآمد نفتی را حدود ۳۱ میلیارد دلار پیش بینی کرده است که بر این اساس باید گفت دولت در بودجه سال ۹۲ تنها صادرات روزانه ۹۰۰ هزار بشکه نفت را پیش بینی کرده است. این گزارش اضافه می کند: دولت در لایحه بودجه سال ۹۱ صادرات روزانه ۲ میلیون ۷۴۰ هزار بشکه ای نفت را در نظر گرفته بود که با این شرایط باید گفت در لایحه بودجه سال ۹۲ حدود ۱ میلیون ۸۴۰ هزار بشکه صادرات نفت کاهش پیدا می کند. هم چنین این گزارش اضافه می کند: دولت در لایحه بودجه سال ۹۲ نرخ ارز را به میزان ۲۱۳۰ تومان در نظر گرفته است.

خبرگزاری حکومتی مهر نیز در تاریخ چهارشنبه، ۹ حوت ۱۳۹۱ برابر با ۲۷ فبروری ۲۰۱۳، نوشت: بررسی درآمدها و هزینه‌های بودجه ای در سال ۹۲ نشان می دهد تراز عملیاتی بودجه سال آینده بیش از ۲۹ هزار و ۵۰۹ میلیارد تومان منفی است. به عبارت دیگر، هزینه های دولت بیش از ۲۹ هزار و ۵۰۹ میلیارد تومان از درآمدهایش بیش تر است. لایحه بودجه سال ۹۱ نیز با حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان کسری به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود.

مهدی محمدزاده رئیس انجمن اقتصاد داروی ایران، گفته است: قیمت داروی ضدسرطان «هرستپین» که با ارز آزاد هم وارد می شود به هر آمپول ۴ میلیون تومان رسیده و برای بیماری که باید ۴ بار در ماه تزریق کند. ماهانه ۱۶ میلیون تومان هزینه دارد. قیمت برخی داروهای ام اس هم به هر دارو ۱۱ میلیون تومان رسیده است. مهدی زاده، گفت: پرداخت سالانه ۲/۷ میلیارد دالر ارز داروئی برای دولت رقمی نیست. دولت باید این اعتبار را برای بیماران کنار بگذارد و به موقع تخصیص دهند زیرا حتی اگر یک ماه دارو کمبود داشته باشد اگر ماه بعد ۱۰ برابر هم ارز دارو بدهند جبران نمی شود زیرا تعدادی از بیماران در همان یک ماه می میرند. وی افزود: یک بیمار مبتلا به دیابت به انسولین نیاز دارد و اگر انسولین در بازار نباشد بیمار می میرد، شوخی ندارد و این وظیفه حاکمیت است که در این زمینه احساس مسؤولیت کند و وظیفه خود را انجام دهد.

بنا به گزارش خبرگزاری ها، مجلس ایران جزئیات طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن، توزیع کوپنی کالاهائی مثل برنج، روغن و گوشت به زودی آغاز خواهد شد. در طرح مجلس، دولت موظف شده است هر سه ماه، بخشی از سبد غذایی خانوارهای کم درآمد را از طریق کوپن تأمین کند. بر اساس این طرح، خانواده هائی کوپن دریافت می کنند که تحت پوشش کمیته امداد یا سازمان بهزیستی ایران باشند.

خبرگزاری حکومتی فارس، جمعه ۲۰ دلو ۱۳۹۱، از افزایش چند هزار تومانی قیمت فرآورده‌های گوشتی در چند روز اخیر خبر داد. بنا به این گزارش در منطقه تجریش تهران قیمت یک کیلوگرم گوشت گوسفندی ران و دست ۳۶ هزار تومان و قیمت گوشت گوسفندی شقه نیز ۲۸ هزار تومان است. در این منطقه تهران قیمت گوشت گوساله ران و ماهیچه ۳۱ هزار تومان عرضه می‌شود.

فارس، هم چنین گزارش داده است قیمت مرغ طی چند روز اخیر با جهش از چهار هزار و ۸۰۰ تومان به شش هزار و ۳۰۰ تومان رسیده است. در منطقه جنوب تهران نیز مرغ با قیمت شش هزار و ۲۰۰ تومان عرضه می شود. این در حالی است که هفته گذشته قیمت مرغ کیلویی چهار هزار و ۸۰۰ تومان بود و طی هفته گذشته مسوولان از توزیع مرغ پنج هزار و ۱۰۰ تومانی و کاهش قیمت خبر داده بودند.

مهم تر از همه ایران بر روی دریائی از نفت و گاز خوابیده است نیازی چندانی به انرژی اتمی ندارد و هدف حکومت اسلامی از فعالیت های اتمی اش دست یابی به سلاح های اتمی است. در ۲۰ سال گذشته به دلیل افزایش سرسام آور مصرف انرژی در جهان، ۱۷ کشور از مجموع ۳۱ کشور دارای انرژی هسته ئی از ایجاد نیروگاه های جدید هسته ئی خودداری کرده اند. ایتالیا ۱۵ سال پیش هر ۴۴ نیروگاه هسته ئی خود را تعطیل کرده است. پارلمان المان، رأی به تعطیلی همه نیروگاه های هسته ئی این کشور تا سال ۲۰۲۳ داده است. اسپانیا در یک زمان بندی چند ساله نیروگاههای خود تعیین کرده است... از این رو، سران حکومت اسلامی ایران، ریاکارانه و عوامفریبانه می خواهند آن را یک دست آورد مهم جامعه ایران نشان دهند. آن هم در شرایطی که ایران دارای منابع عظیم نفت و گاز و هم چنین خورشید است. بنابراین، ایران را یک سو به انرژی هسته ئی نیاز ندارد و از سوی دیگر، از نظر اقتصادی و تکنولوژیکی و هم چنین سلامت زیست محیطی مضر و خطرناک است.

این حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، با شعار عوامفریبانه انرژی هسته‌ئی «حق مسلم ماست»، در فعالیت‌های زیرزمینی مجموعه تأسیسات هسته‌ئی زمینی خود، بخش عظیم ثروت‌های جامعه را بر باد داده و اکثریت مردم ایران را حتی از تأمین مایحتاج روزانه‌شان نیز ناتوان کرده است. در حالی که به گفته کارشناسان و دانشمندان انرژی، اگر ایران به بازسازی همین نیروگاه‌های برق خود اهمیت می‌داد، می‌توانست برق مورد نیاز جامعه ایران را تولید کند. بنابراین، سران و مقامات حکومت اسلامی، هدف اصلی از این همه بحران اقتصادی و امنیتی درست کردن برای جامعه ایران، نمی‌تواند صرفاً به تولید برق محدود باشد و قطعاً اهداف شوم و خطرناکی دارند و آن هم تولید بمب اتمی است. بنابراین تولید و فروش سلاح‌های اتمی نه تنها حق ایران نیست، بلکه حق هیچ جامعه‌ای نیست. حق این است که همه سلاح‌های اتمی موجود نابود شوند و هیچ دولتی هم مجاز به تولید آن نباشد.

اما اگر فرض کنیم حکومت اسلامی ایران، با حکومت‌های مذاکره‌کننده به توافق برسد و تحریم‌ها تخفیف پیدا کند این مسأله به نفع مردم است. در چنین روندی کارگران، زنان، دانش‌جویان و جوانان، شهروندان افغان مقیم ایران و همه مردم آزاده با بهبودی نسبی وضعیت اقتصادی‌شان و بی‌طرف شدن احتمال حمله نظامی به ایران، بهتر و همه‌جانبه‌تر مبارزه طبقاتی خود را علیه کلیت حکومت اسلامی، تعمیق و گسترش خواهند داد. زیرا حکومت اسلامی، در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حدی جنایت علیه اکثریت مردم ایران مرتکب شده است که روزبه‌روز نفرت و خشم آن‌ها علیه حکومت زیاد و زیادتر می‌شود. به علاوه این که اکثریت مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند تا این حکومت جانی بر سر قدرت است آب خوش از گلویشان پائین نخواهد رفت! تنها با برکناری کلیت این حکومت، مردم ایران و حتی منطقه نفس راحتی خواهند کشید و در فضائی آزاد و امن و برابر، سرنوشت آینده جامعه‌شان را مستقیماً به دست خودشان رقم خواهند زد و به هرگونه ظلم و ستم و سرکوب و سانسور و استثمار پایان خواهند داد!

جمعه یازدهم حوت ۱۳۹۱ - یکم مارچ ۲۰۱۳